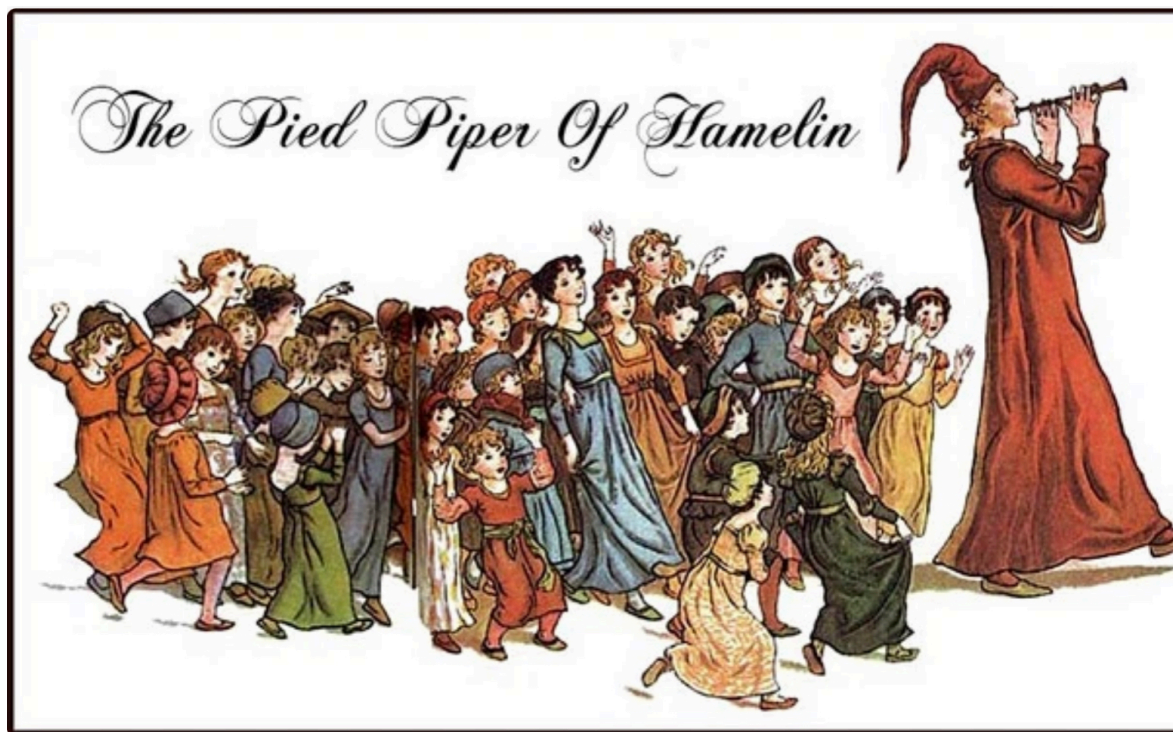


هدایت نقدینگی به سوی تولید

تدوین دکتر محمد طبیبیان برای بخشی از مطب آموزشی درس دکتر عبده تبریزی
مهر ماه ۱۳۹۹ (مقدماتی غیر قابل تکثیر)



“وقتی در شهر هَمِلین موش ها زیاد شدند و هیچ تدبیری چاره گر نشد،
شیادی پیشنهاد کرد که او با نی لبک زدن موش ها را به دنبال خود به حرکت
در می آورد و از شهر به بیرون هدایت می کند. روزی اهالی شهر متوجه
شدند که او با نی لبک زدن بچه های شهر را به دنبال خود به راه انداخته و
برده است.”

اول مرغ آمد یا اول تخم مرغ؟

بسیاری افراد در مورد ضرورت “هدایت نقدینگی به سمت تولید” صحبت می کنند و این را علاج بسیاری درد های اقتصاد می دانند. و از این بابت که پول به سوی دلالی و واسطه گری و سکه و دلار می رود آزرده خاطر هستند. برایشان این ابهام مطرح است که چرا افراد صاحب مسئولیت سر واره جریان نقدینگی را به آن طرف بر نمی گردانند تا همه گرفتاری ها معکوس شود و “مصیبت به فرصت تبدیل شود”.

این که چنین معجزه ای اتفاق نمی افتد هم حتماً دلیلی دارد و آن دلیل هم قاعداً توجیه ساده انگارانه ای مثل توطئه و مانند آن باید باشد!

برای پاسخ به ابهام هدایت نقدینگی به سمت تولید و معضل آن ابتدا ضروری است به نقش پول و مکانیزم خلق آن توجه کنیم، آنگاه چگونگی حرکت آن را دریابیم. درک این مطلب به پرسش ما پاسخ می دهد.

پول و رابطه آن با فعالیت اقتصادی

پول به شکل مدرن آن به تدریج ایجاد شد و بنا بر پاسخ دادن به نیاز های اولیه که شرایط اقتصادی مطرح می کرد. بدون این که بخواهیم در تاریخ دور به کنکاش بپردازیم می توانیم اصل مطلب را از قرن نوزده و آن هم عمدتاً از نیمه دوم قرن نوزدهم شروع کنیم. بنگاه ها در هر زمان مجموعه ای هستند از حساب های بدهکار و بستانکار. در بسیاری موارد آنچه در دفاتر یک شرکت به صورت بدهکار ثبت شده همان رقم در دفاتر شرکت دیگر به عنوان بستانکار ثبت شده است. مانند بسیاری از حساب های دریافتنی یا

پرداختنی. بسیاری از معامله های بین شرکت ها براساس حساب های متقابل یا حساب های زنجیره ای قابل تسویه هستند. اما یک شرکت ممکن است مطالبات و بدهی های خود را از طریق ارقام مشابه تنظیم و تسویه نماید. مثلاً بنگاه الف به بنگاه ب مواد اولیه فروخته است الف از ب طلبکار است. بنگاه ب به بنگاه ج محصول فروخته از او طلب کار است. بنگاه ج بدهی خود به ب را با بدهی ب به الف از طریق فروش ماشین آلات به الف تسویه می کند. اگر این مقادیر برابر باشند این اقتصاد مفروض مانند یک اقتصاد تهاتری عمل می کند. اما اگر ارقام برابر نباشند یک مقدار مطالبه در مجموع حساب ها در یک زمان موجود است که باید تسویه شود. یعنی اگر طلب الف از ب صد ریال و طلب ب از ج هشتاد ریال بود و ارزش ماشین آلات فروخته شده توسط ج به الف نیز ۸۰ ریال بود معادل بیست ریال مطالبه باقی می ماند از جانب الف در مقابل ب. در اینجا بنگاه ب به بانک مراجعه می کند و در ازاء در آمد آتی بیست ریال اعتبار دریافت کرده و طلب الف را تسویه می کند. **طریقیان-مقدماتی غیر قابل تکثیر**

در مواردی داد و ستد تهاتری بین بنگاه ها و یا بنگاه ها و مصرف کنندگان نهایی از نظر زمانی قابل تنظیم و تسویه نیست. در اینگونه موارد وجود یک نهاد اعتباری ضرورت می یابد تا با تامین اعتبار تسویه حساب های بدهکار و بستانکار بین فعالین اقتصادی را عملی کند. این شیوه در واقع شیوه رایج و مالوف فعالیت اقتصادی در کشور هایی بود که نهاد های مالی همراه با نهاد های تولیدی و تجاری بعد از انقلاب صنعتی شکل گرفتند. در درجه اول بنگاه ها با اوراق تعهد promissory note و یا Bill of exchange باهم معامله می کردند که این ها به صورت پشت نویس شده دست بدست می گشت و وسیله ای بود برای تسویه حساب های معاملات و بعضاً هم ممکن بود این اسناد برای نقد شدن در موعد در اختیار بانک قرار گیرند. در کشور

ما هم اسنادی مانند برات از دیر باز رایج بوده اما با توجه به اندازه اقتصاد و عقب ماندگی اقتصادی، این شیوه ها در ابعادی که در کشور های تازه صنعتی شده رواج داشت نهادینه نشدند. در انگلستان طی قانونی در سال 1882 تحت عنوان

Bills of Exchange Act 1882

1882 CHAPTER 61 45 and 46 Vict

An Act to codify the law relating to Bills of Exchange, Cheques, and Promissory Notes.
[18th August 1882]

این نوع اسناد، اعتبار قانونی یافت و تبدیل به ابزار پرداخت بسیار رایجی گردید. در ایران قانون تجارت که مواردی در مورد برات نیز در آن ذکر شده در خرداد ۱۲۹۰ شمسی تصویب شد. یعنی حدوداً بیست و نه سال بعد. بنابراین در این شیوه انجام معامله، از اسناد خاصی استفاده می شده که نیاز به مراجعه به بانک برای نقد کردن اسناد را به موارد معدود تقلیل می داده است. شامل موارد عدم امکان تطبیق زمانهای بدهکاری و بستانکاری، یا زمانی که یک شرکت و رای گردش متعارف کار خود نیاز به افزایش تولید، خرید مواد اولیه و ماشین آلات و پرداخت به نیروی انسانی داشته. در این حالت هم بر اساس برنامه تولید تامین وثیقه یا تعهد دیگر از بانک اعتبار دریافت می کرده است.

چنانکه دانسته است انجام سرمایه گذاری ها هم بر اساس طرح های مشخص از طریق بانک های سرمایه گذاری و تامین مالی پشتیبانی می شده است.

منظور این که بانک اصولاً در یک چارچوب اقتصاد کار کردی که نهاد های آن در ارتباط بایکدیگر به فعالیت مشغول باشد، معنی دار بوده و با اقتصاد پیوند داشته است.

خلق پول

در زمانی که پول رایج مسکوک طلا و نقره بود کمیابی این مسکوکات مانع بزرگی بر راه توسعه و تولید بود. به همین دلیل نیز طی تاریخ ابزار هایی ایجاد شد تا نظام تولید و تجارت از این محدودیت رهایی یابد، به برخی از اسناد قبلاً اشاره شد، بانک ها هم بر همین روال ایجاد شدند. به طور خلاصه ابتدا با دریافت مسکوک طلا و نقره به صدور رسید های قابل مبادله پرداختند و صد درصد مسکوکات را نگه می داشتند اما به تدریج با درک این که کسری از این پشتوانه کفایت می کند اقدام به ایجاد حساب دیداری و بسط اعتبار کردند. به این نحو شیوه fractional reserve banking ایجاد شد. یعنی بانک ها آموختند چند برابر ذخایر خود که از نوع طلا و نقره بود اقدام به ایجاد حساب دیداری و بسط اعتبار یا خلق پول کنند که تاکنون ادامه داشته است. این شیوه خلق پول نیز علی الاصول در پیوند نزدیک با فعالیت اقتصادی انجام می شده و این امکان را داشته که حجم پول از طریق بانک متناسب با شرایط اقتصادی منقبض و منبسط شود (نمودار های ۱ و ۲).

به تدریج و پس از چند شکست و مشکلات ناشی از آن، بانکداری مرکزی نیز به این حیطه پیوست و همراه با فعالیت اقتصادی تولید و تجارت و فعالیت بانک های تجاری امکان سیاست گذاری پولی و نظارت بر فعالیت بانک ها و ابعاد خلق پول فراهم آمد.

گرچه بانک انگلستان طبق قانونی در سال ۱۶۹۴ برای تامین مالی دولت انگلستان در جنگ با فرانسه ایجاد شد اما از سال ۱۸۳۳ به چاپ اسکناس و انجام وظیفه بانک مرکزی پرداخت و عملاً اولین بانکی بود که رسماً وظیفه کنترل بسط پول بانکی را بعهده گرفت، کاری که امروزه یکی از وظائف بانک های مرکزی است.

اما پاسخ به پرسش اولیه در مورد مرغ و تخم مرغ. لا اقل در بحث سیاست پولی، ابتدا مرغ باید موجود باشد تا تخم مرغ فراهم شود. یعنی یک نظام اقتصادی کار کردی و بر روی پا و استوار باید موجود باشد و روابط بنگاه ها در داد و ستد هماهنگ شود تا سیستم بانکی هم به عنوان یک بخش ارگانیک این سیستم خدمت رسانی کرده و سود حاصل کند. مشخص است که در یک چنین سیستمی که افزایش نقدینگی متناسب با فعالیت اقتصادی بنگاه ها تنظیم می شود تورم در شرایط متعارف (به جز موارد جنگ ها و موارد مشابه) نا چیز و قابل هدف گذاری و نرخ بهره نیز متناسب با کمیت های اقتصادی از جمله نرخ رشد و نرخ رجحان زمانی تعیین می شود. یعنی نرخ های طبیعی وجود خواهد داشت که بانک مرکزی در اطراف آن نرخ ها در جهت کاهش نوسانات نا خواسته و آسیب رسان سیاستگذاری می کند.

یعنی بر خلاف تصور رایج در کشور ما که بعضی افراد ادعا می کنند نرخ بهره در اروپا مثلاً ۳ درصد است و بانک مرکزی این سه درصد را تعیین می کند، مکانیزم تعیین نرخ بهره این چنین نیست. نرخ بهره را کار کرد نظام اقتصادی تعیین می کند، بانک مرکزی با سیاست گذاری و تنظیم جریان پول و اعتبار نرخ بهره اصلی (برای بانک های عمده) را بر اساس نرخ بهره طبیعی (روش های آماری و اقتصاد سنجی برای تخمین آن وجود دارد) و در اطراف آن نرخ بهره طبیعی، محقق می سازد. سایر بانک ها بر اساس

ریسک مشتریان و فعالیت ها و هزینه های مربوط نرخ های خود را تعیین می کنند. این پارامتر خود یک وجه دیگر گره خوردن فعالیت بانکی با کار کرد نظام اقتصادی است. یعنی فعالیت اعتباری باید همخوان با نرخ بهره طبیعی و ساختار ریسک در نظام اقتصادی باشد.

مشکل اقتصاد دارای ساختار کج و معوج

به دلائل تاریخی که بعضاً به آن اشاره خواهد شد اقتصاد کشور از یک ساختار و شاکله نا همساز برخوردار شده است. برخی از عوامل تعیین کننده و شکل دهنده این شاکله عبارتند از:

۱. **عدم درک نقش اقتصادی نرخ بهره.** نرخ بهره مهمترین قیمت از مجموعه قیمت ها در یک نظام اقتصادی است. نرخ بهره، گذشته حال و آینده یک نظام اقتصادی را به هم پیوند می زند. عدم درک این رویکرد و دخالت در تعیین و سرکوب نرخ بهره آثار ناهنجار با وسعت و عمق شگرف به همراه داشته است. **طبیعیات-مقدماتی غیر قابل تکثیر** می دانیم که قیمت ها مثل چراغ راهنمای اقتصاد هستند و علامت دهی قیمت ها است که فعالان اقتصادی را راهنمایی و هدایت می کند. چنانکه علائم راهنمایی، ترافیک یک شهر را تنظیم می کنند. آشفتگی قیمت ها آشفتگی در حرکت عوامل اقتصادی در سطح کشور ایجاد می کند. گرچه در کشور ما از گذشته های دور دولت ها در اکثر قیمت ها دخالت کرده و ایجاد آشفتگی کرده اند اما به هم ریختگی ناشی از دخالت و سرکوب نرخ بهره در رده خاص خود قرار می گیرد.

در ایران از قدیم یک نهاد مانند شورای پول و اعتبار نرخ بهره را به صورت اداری تعیین می کرده، این نرخ هرگز متناسب با شرایط اقتصادی نبوده و به همین دلیل هم معمولاً پایین تر از نرخ تورم تعیین می شده. مکانیزم هایی مانده تنزیل مجدد و بازار اوراق مطالبات هم در کار نبوده است تا نرخ بهره

اقتصادی رونمایی شود. علاوه بر این شورای پول و اعتبار سهمیه بندی اعتبارات بانک بین بخش ها را هم به صورت اداری انجام می داده است، باز هم بدون توجه به واقعیت های اقتصادی مثلاً برای بخش ها مثل کشاورزی، صنعت، مسکن، خدمات سهمیه اعتبار تعیین می شده. یک سهم اعتبار برای بخش کشاورزی تعیین می شده معمولاً با نرخ های ترجیحی و این اعتبارات به نام کشاورزی پرداخت می شده اما نهایتاً در ساخت و ساز یا خرید املاک سرمایه گذاری می شده است.

شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی همیشه نرخ های بهره ای را تعیین می کرده اند، بدون توجه به واقعیت های ابتدایی اقتصاد از جمله ارتباط پولی بخش های مختلف با یکدیگر. این نرخ ها که نمونه آن را در جدول ۳ مشاهده می کنید هیچ توجیه اقتصادی ندارد و فقط وجه اداری دارد و مشاهده می شود که برای ده ها سال این شیوه سوء تخصیص منابع ادامه داشته است و به شکل گیری یک ساختار اقتصاد کج و معوج هم کمک کرده با درجه فزاینده ای از ناهنجاری. **طریقیان-مقدماتی غیر قابل تکثیر**

در جدول ۴ نمونه ای از سهمیه بندی بخشی اعتبارات آمده که در آن برای بخش های مختلف سهمیه تعیین شده. مبنای این سهمیه ها چیست، توجیه آن کدام است؟ معلوم نیست. تنها نکته ای که معلوم است این که این دستور العمل ها به جز ایجاد ناهنجاری، زمینه سازی شیوه های فساد آمیز و سوء تخصیص منابع نتیجه ای نداشته است. اما هرگز هم به صورت اصولی مورد بررسی و تجدید نظر قرار نگرفته است.

۲. پول ایران اکثر زمان ها بیش ارزشگذاری شده. این که ساختار اقتصاد کشور کج و معوج است و دائم در حال فرو ریختن از عوامل دیگری هم ناشی می شود. یکی قیمت گذاری دستوری دولتی که برای بیش از یک

قرن نسبت قیمت ها را در کشور ما آشفته کرده و علامت دهی اقتصادی را مخدوش و ساختاری متناسب با آن در اقتصاد شکل گرفته است. عامل مهم و تاثیر گذار دیگر نرخ ارز است. از زمان تاسیس بانک شاهی در زمان ناصرالدین شاه این واقعیت که پول ایران فرا ارزشگذاری می شده به عنوان یک عامل مانع فعالیت اقتصادی نام برده شده است. دخالت در نرخ ارز و عدم وجود بازار کار کردی برای آن و تلاش دولت های مختلف برای پایین نگه داشتن نرخ های مبادله ارز های خارجی، یعنی بیش ارزشگذاری پول داخلی، سبب شده که بخش های تولیدی داخلی امکان رقابت با تولیدات خارجی مشابه را نداشته باشند. واردات به صرفه باشد و صادرات صرف نکند. تلاش برای حمایت های دیگر مانند اعمال تعرفه گمرکی و کمک مستقیم و جایزه صادراتی... هم جز نا کار آیی، هزینه و فساد نتیجه ای ببار نیاورده است.

یک عامل دیگر در ایجاد این شاکله نا هنجار اقتصاد نگرش دولت های مختلف به استفاده از ابزار خلق پول و سیستم بانکی بوده است. یک وجه این نگرش خلق پول برای هزینه های دولت و وجه دیگری خلق پول از طریق سیستم بانکی به تصور کمک به تولید و فعالیت اقتصادی. تجربه نشان می دهد که هردو این رویکرد ها زیانبار و پر آسیب بوده اند.

مکانیزم خلق پول

کلیاتی که در نمودار ۱ و ۲ آمده تصویری است که هماهنگی سیاست پولی، بسط پول و فعالیت اقتصادی را نشان می دهد. در چنین چارچوبی نقدینگی همراه فعالیت اقتصادی ایجاد می شود و نرخ بهره نیز علی الاصول در چارچوب کار کرد اقتصاد مثل یک قیمت تعیین می گردد، هنگامی که نرخ بهره اصلی بر اساس واقعیات اقتصاد تعیین شد، نرخ های بهره مختلف نیز

بر اساس انعکاس ریسک های متفاوت مشتریان و فعالیت ها تعیین می شود و چنانکه ویژگی مشتریان بر اساس ریسک متفاوت است این نرخ ها نیز بر این اساس متفاوت هستند. در این چارچوب نه تنها نیازی به هدایت نقدینگی نیست بلکه اصولاً هدایت نقدینگی بی معنی است، چرا که در یک نظام اقتصادی کار کردی نقدینگی و تولید مثل دو همزاد دست در دست هم هستند. بدون ارتباط با فعالیت اقتصادی، نقدینگی بی معنی است و نقدینگی نیز همانجایی تولید می شود که تولید ایجاد می شود.

در نمودار های ۱ و ۲ ساز و کار های ایجاد نقدینگی در نظام اقتصادی امروزه ترسیم شده. در جداول ۱ و ۲ نیز ارقام پایه پولی از طرف منابع و مصارف و ارقام پول و نقدینگی ارائه شده. به سادگی می توان دریافت که روابط پولی و رابطه بانک مرکزی و نظام بانک های تجاری که بخش عمده خلق نقدینگی را انجام می دهند مشابه ساز و کاری است که در تمام سیستم های بانکی کار کرد دارد. این ساز و کار بر اساس قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱ تنظیم شده که یکی از بهترین قوانین تخصصی کشور است.

پس چرا برخی بنگاه ها دچار کمبود نقدینگی می شوند؟

آدام اسمیت در قرن هجدهم این پرسش را مطرح و برای آن جوابی ارائه کرده است. بنگاه معمولاً در دو حالت دچار کمبود نقدینگی است. یکم اینکه کالا یا خدمتی تولید می کند که خریدار ندارد. دوم سابقه اعتباری بدی دارد و هیچ بانکی حاضر به پرداخت وام به او نیست. در کشور ما علاوه بر این دلایل موارد دیگری هم برای کمبود نقدینگی بنگاه ها قابل ذکر هستند. این دلایل مربوط به نبود شرایطی است که فعالیت اقتصادی بتواند خود را حفظ

کرده تداوم بخشد، یعنی شرایطی که به خروج نقدینگی از فعالیت تولیدی منجر می شود؛

۱. برخی موارد دلیل کمبود نقدینگی این است که بنگاه ها غارت می شوند. در کشور ما یک بنگاه در زمان افتتاح بهترین حالت خود را دارد از آن روز به بعد درتنزل است مگر این که در مقاطعی از زمان مجدداً منابع جدید به آن ها تزریق شود. سرنوشت بسیاری صنایع و بانک ها و سایر شرکت ها را به عنوان دلیل مرور کنید. دلیل این تنزل این است که این واحدها غارت می شوند. توسط صاحبان، کارکنان و حکومت. این بحث طولانی است.

۲. تخصیص بوروکراتیک اعتبار. در کشور ما بنگاه ها برای دسترسی به اعتبار طبق قوانین مختلف از جمله قانون بانکداری بدون ربا، باید فراگرد پیچیده غیر مستقیم، زمان بر، سرشار از کاغذ بازی، پر هزینه و در مواردی نا سالم را طی کنند. در مواردی که قبلاً اشاره شد در یک نظام اقتصادی کار کردی فراگرد تامین اعتبار همراه و در پیوند با فراگرد تولید است.

۳. سرکوب مالی، سرمایه گذاری رانتهی، و تصحیح برنامه سرمایه گذاری از طریق سرمایه برداری. سرکوب مالی به معنی تعیین نرخ بهره پایین تر از نرخ تورم برای مدت طولانی است. این مکانیزم از ابتدای ایجاد سیستم بانکی در کشور ما ادامه داشته است و تا کنون نیز. نتیجه ابتدایی این امر نیز وجود رانت در اخذ وام است. بنابر این بسیاری سرمایه گذاران به انگیزه استفاده از این رانت ها و معمولاً برای اجرای پروژه هایی که دستگاه های دولتی مانند وزارت صنعت فهرست کرده اند وام می گرفته اند. یعنی روش معمول چنین نیست که سرمایه گذار زمینه فعالیت را تشخیص دهد و با قبول ریسک آن به بانک مراجعه کند و بانک نیز پس از بررسی لازم و اخذ وثیقه یا سایر

تعهدات به او وام بدهد و سرمایه گذار نیز پس از فعالیت اقتصادی مولد وام را از محل در آمد و گردش نقدینگی خود باز پس بدهد.

در عمل عکس این اتفاق می افتاده. یعنی بر اساس یک فهرست اداری وزارتخانه یک طرح مثل تولید موکت، تولید لوله، تولید ماکارونی... انتخاب می شده اگر وزارتخانه تصویب می کرده سهمیه ارزی و سهمیه وام و سهمیه زمین تخصیص می داده و هر کس توفیق می یافته بلیطش برنده رقم های بزرگ رانت می شده است. نتیجه این شیوه هم این که سرمایه گذار به سرعت شروع به سرمایه برداری می کند، یعنی با تمهیدهای مختلف وجوه نقدی را از رشته فعالیت بیرون می کشد. سپس مجدداً متقاضی سرمایه در گردش و منابع نقدی جدید است و همان کار را نیز با منابع جدید انجام می دهد. هرگز چنین نیست که مردم شیفته تولید باشند، معمولاً شیفته کسب ثروت هستند اگر در نظام سازمان یافته ای تنها راه کسب ثروت کار آفرینی، تقبل ریسک، نو آوری و تولید بود اکثر فعالان اقتصادی به این راه می روند. اگر راه کسب ثروت رانت جویی بود به راه جمع آوری رانت می شتابند.

این افراد پس از ایجاد واحد اقتصادی به سرعت اقدام به سرمایه برداری و انتقال رانت ها از شخصیت حقوقی به خودشان به عنوان شخصیت حقیقی می کنند. البته چنانکه قبلاً اشاره شد فقط صاحب شرکت نیست که منابع شرکت را بیرون می کشد، بلکه سایر ذی نفعان از جمله کارکنان (حقوق و مزایا دریافت می کنند، برای استخدام در واحدی که تنظیم شده بر مبنای نا کار آیی)، حکومت از طریق دستگاه مالیات (مالیات علی الراس و ارزش افزوده...) و سایر دستگاه ها، استخدام های تحمیلی و فساد و رشوه خواهی های مختلف. این فرا گرد نیز در ذات خود نیاز دائمی برای تزریق منابع دارد و این سازوکاری است که از طریق طراحی اولیه به منظور تولید کالا و خدمات تنظیم نشده و بلکه تله رانت و تقسیم آن است.

این جا است که اول تخم مرغ می آید و بعد باید یک سیستم بانکی موجود باشد بلکه سعی کند آن را به مرغ تبدیل کند، و این فراگرد هم پیوسته ناموفق بوده است.

موجودی نقدینگی ایجاد شده در سطح کلان چه ظرفیتی دارد؟

جا به جایی و به حرکت در آمدن نقدینگی به دلیل عوامل ذیل رخ می دهد:
تغییر درآمد دائمی مردم

تغییر انتظارات تورمی-مقدماتی غیر قابل تکثیر
تغییر در بازده نسبی دارایی ها

تغییر در احساس عدم اطمینان نسبت به آینده

هر گاه این عوامل در جهت منفی متحول شوند (مثلاً مردم به این نتیجه برسند که در آمد دائمی آنان کاهش یافته یا انتظار افزایش سطح قیمت ها را داشته باشند یا افق دید آینده را تاریک ببینند) این امر سبب تلاش مردم برای جا بجایی نقدینگی با سایر دارایی ها شده و تورم را خواهد بود. این تحرک نقدینگی، قیمت دارایی های دیگر را افزایش می دهد. این جا بجایی اما در بلند مدت اثری بر بخش واقعی، یعنی تولید و درآمد حقیقی ندارد. بنابر این دیده ایم که تصور ایجاد پول به نیت ترغیب فعالیت اقتصادی مانند طرح های زود بازده یا ایجاد صنایع جدید که در گذشته به دفعات تکرار شده نتیجه پایداری جز تورم نداشته است. بنابر این ابتدا باید سازمان تولید

تدارک و کار کرد های آن تسهیل شود و فراهم آید آنگاه همپای آن یک سیستم اعتباری لازم است تا تولید حقیقی را از طریق خلق اعتبار در مقابل ایجاد بدهی تامین مالی کند.

طبیعیان-مقدماتی غیر قابل تکثیر

جدول ۱.

پایه پولی، پول و نقدینگی

جدول ۲.

نقدینگی بر حسب مصارف

نقدینگی	نقدینگی برحسب اجزای تشکیل دهنده	21264.4	24721.5	28958.9	36.2	17.1	سهم مانده اجزا از مانده نقدینگی	
							شهریور 1399	سفند 1398
پول		3333.5	4273.0	6007.0	80.2	40.6	20.7%	17.3%
	اسکناس و مسکوک در دست اشخاص	498.6	611.4	599.6	20.3	-1.9	2.0%	2.5%
	سپرده های دیداری	2834.9	3661.6	5407.4	90.7	47.7	18.7%	14.8%
شبه پول		17930.9	20448.5	22951.9	28.0	12.2	79.3%	82.7%
	قرض الحسنه پس انداز	1127.9	1448.1	1705.3	51.2	17.8	5.9%	5.9%
	کوتاه مدت	6206.0	7081.1	8641.3	39.2	22.0	29.8%	28.6%
	یک ساله	10064.7	11348.3	11179.7	11.1	-1.5	38.6%	45.9%
	دو ساله	34.4	38.9	824.6	#	#	2.9%	0.2%
	سه ساله	0.7	0.6	0.4	-42.9	-33.3	0.0%	0.0%
	چهار ساله	4.4	4.3	4.2	-4.5	-2.3	0.0%	0.0%
	پنج ساله	134.8	94.8	73.4	-45.5	-22.6	0.3%	0.4%
	متفرقه	358.0	432.4	523.0	46.1			

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی - دایره
آمارهای پولی

$$\text{حجم پول} \leq \frac{1+c}{c+e+r} \times \text{Min of} \left(\text{بایه پولی}, \text{بایه پولی، نقدی، مقید به نگهداری ذخائر و به نسبت پوشش نقدی، و قیود مربوط به نگهداری دارایی های نقد شونده و با کیفیت} \right)$$

LCR. Liquidity coverage ratio.
As the ratio of HQLA (high quality liquid assets) to NCOF (Net Cash Outflow) over a 30 day horizon under stress test scenario

جدول ۳.

جدول ۴.

توضیحات	نرخ سود تسهیلات در عقود مبادله ای (حداقل نرخ سود مورد انتظار تسهیلات در عقود مشارکتی) (درصد)				
	سال	صنعت و معدن	مسکن و ساختمان	کشاورزی	بازرگانی و خدمات
-	۱۳۶۳	۶-۱۲	۸-۱۲	۴-۸	۸-۱۲
-	۱۳۶۴	۶-۱۲	۸-۱۲	۴-۸	۸-۱۲
-	۱۳۶۵	۶-۱۲	۸-۱۲	۴-۸	۸-۱۲
-	۱۳۶۶	۶-۱۲	۸-۱۲	۴-۸	۸-۱۲
-	۱۳۶۷	۶-۱۲	۸-۱۲	۴-۸	۸-۱۲
-	۱۳۶۸	۶-۱۲	۸-۱۲	۴-۸	۸-۱۲
-	۱۳۶۹	۱۱-۱۳	۱۲-۱۴	۶-۹	۱۷-۱۹
-	۱۳۷۰	۱۱-۱۳	۱۲-۱۶	۶-۹	حداقل ۱۸
-	۱۳۷۱	۱۳	۱۲-۱۶	۹	حداقل ۱۸ و بالاتر
-	۱۳۷۲	۱۶-۱۸	۱۲-۱۶	۱۲-۱۶	۱۸-۲۴
-	۱۳۷۳	۱۶-۱۸	۱۵	۱۲-۱۶	۱۸-۲۴
-	۱۳۷۴	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۱۳-۱۶	۲۲-۲۵
-	۱۳۷۵	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۱۳-۱۶	۲۲-۲۵
-	۱۳۷۶	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۱۳-۱۶	۲۲-۲۵
(۱)	۱۳۷۷	۱۷-۱۹	۱۵-۱۹	۱۳-۱۶	۲۲-۲۵
(۱)	۱۳۷۸	۱۷-۱۹	۱۵-۱۹	۱۳-۱۶	۲۲-۲۵
(۱)	۱۳۷۹	۱۷-۱۹	۱۵-۱۹	۱۳-۱۶	۲۲-۲۵
(۲)	۱۳۸۰	۱۶-۱۸	۱۵-۱۹	۱۴-۱۵	حداقل ۲۳
(۳)	۱۳۸۱	۱۵-۱۷	۱۴-۱۸	۱۳-۱۴	حداقل ۲۲
(۴)	۱۳۸۲	۱۶	۱۵-۲۱	۱۳/۵	حداقل ۲۱
(۵)	۱۳۸۳	۱۵	۱۵-۲۱	۱۳/۵	حداقل ۲۱
(۶)	۱۳۸۴	۱۶	۱۵-۱۶	۱۶	۱۶-۱۸
(۷)	۱۳۸۵	۱۴-۱۷	۱۴-۱۷	۱۴-۱۷	۱۴-۱۷
(۸)	۱۳۸۶	۱۲-۱۳	۱۲-۱۳	۱۲-۱۳	۱۲-۱۳
(۹)	۱۳۸۷	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
(۱۰)	۱۳۸۸	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
(۱۱)	۱۳۸۹	۱۲-۱۴			
(۱۲)	۱۳۹۰	۱۱-۱۵			
(۱۲)	۱۳۹۱	۱۴-۱۵			
(۱۲)	۱۳۹۲	۱۴-۱۵			
(۱۳)	۱۳۹۳	۲۱-۲۲			
(۱۴)	۱۳۹۴	۲۰-۲۱			
(۱۵)	۱۳۹۵	۱۸ (کشاورزی ۱۵ درصد)			
(۱۵)	۱۳۹۶	۱۸			
(۱۵)	۱۳۹۷	۱۸			

توجه: تا سال ۱۳۸۵ و در سیاست‌گذاری مربوط به نرخ‌های سود بانکی، تفکیکی شفاف میان نرخ‌های سود عقود مبادله‌ای (غیرمشارکتی) و مشارکتی وجود نداشت و نرخ‌های اعلامی عمدتاً به تفکیک بخش‌های اقتصادی اعلام می‌گردید، لیکن پس از تصویب "قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی در بخش‌های مختلف اقتصادی"، نرخ‌های سود تسهیلات توسط سیاست‌گذار پولی به تفکیک عقود مبادله‌ای و مشارکتی به تفکیک بخش‌های اقتصادی در سال ۱۳۸۵ اعلام گردید. در سال ۱۳۹۳، به منظور شفاف‌سازی بیشتر، نرخ‌های سود تسهیلات بانکی به تفکیک بخش‌های اقتصادی اعلام گردید. در سال ۱۳۹۳، به منظور شفاف‌سازی بیشتر، نرخ‌های سود تسهیلات بانکی به تفکیک بخش‌های اقتصادی اعلام گردید.

تبصره ۵- سود تسهیلات عقود غیر مشارکتی همانند سود علی الحساب سپرده های بانکی و بر اساس فرمول ارایه شده در بخشنامه شماره مپ/۱۵۲۱ مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۸ بانک مرکزی محاسبه و اعمال می شود. بر این اساس سود دریافتی تسهیلات عقود غیر مشارکتی و سود علی الحساب دریافتی عقود مشارکتی توسط موسسات اعتباری بر اساس فرمول نرخ ساده (غیر مرکب) محاسبه و دریافت می گردد.

تبصره ۶- حداکثر نرخ سود تسهیلات پرداختی توسط مؤسسات لیزینگ بانکی و غیر بانکی مطابق نرخ سود عقود غیر مشارکتی مندرج در ماده ۹ تعیین می شود دریافت نرخ های سود نهایی بالاتر از مشتریان تحت هر عنوانی از قبیل کارمزد و نظایر آن از سوی این مؤسسات ممنوع می باشد.

فصل سوم: سیاست های اعتباری

ماده ۱۰- موسسات اعتباری مکلفند اعطای تسهیلات به بخش های تولیدی و اشتغال را را در اولویت قرار دهند ضمناً توصیه می گردد مؤسسات اعتباری در افزایش مانده تسهیلات خود نسبت های جدول زیر را رعایت نمایند:

توزیع تغییر در مانده تسهیلات شبکه بانکی کشور در بخش های مختلف اقتصادی (درصد)

بخش	سهم
کشاورزی و آب	۳۰
صنعت و معدن	۳۷
مسکن و ساختمان	۲۵
صادرات و زیرساخت های بازرگانی	۱۰
بازرگانی، خدمات و متفرقه	۸
جمع	۱۰۰

تبصره ۱- بانک های تخصصی حداقل ۹۰ درصد تسهیلات خود را در راستای رسالت اصلی خویش اعطا می نمایند.

تبصره ۲- آن دسته از موسسات اعتباری که نسبت های فوق را رعایت نمایند، بنا به تشخیص بانک مرکزی و متناسب با جهت گیری خود، از تخفیف نسبت سپرده قانونی و سایر مشوق های بانک مرکزی برخوردار خواهند شد.

تبصره ۳- دستگاه های اجرایی ذریع با همکاری معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی و پس از هماهنگی با بانک مرکزی می توانند با استفاده از ابزارهای تشویقی از قبیل وجوه اداره شده و یا پرداخت یارانه سود به تسهیلات اعطایی، در جهت تحقق سهم های بخشی فوق اقدام نمایند.

ماده ۱۱- مؤسسات اعتباری می توانند در صورت احراز نیاز متقاضی و اخذ تضمین کافی، تسهیلات به شرح ذیل را در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا اعطا نمایند:



<https://www.cbi.ir/page/6251.aspx>

<https://www.cbi.ir/page/8954.aspx>

1-<https://poseidon01.ssrn.com/delivery.php?ID=987090099095089085028065068106091010005037036006012036006088067066072119000011068087032117025055047016034005094065101005077069054019030026019001089004026001090087033082051117098123011065103006082102080071091001105069106083024067092001028094123013126&EXT=pdf>

2- <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0264999316308513>

3-<https://www.legislation.gov.uk/ukpga/Vict/45-46/61>

طبیبيان-مقدماتی غیر قابل تکثیر